

سخنی چند به مناسبت تحقیقات خاورشناسان گرجستان درباره ایران پیش از اسلام

پروفسور جمشید گیوناشویلی
دانشگاه تفلیس گرجستان

تحقیقات در زمینه تاریخ و فرهنگ اقوام ایرانی نژاد و روابط دیرینه آنها با گرجیان یکی از ارکان مهم گرجستان‌شناسی یا عامل امدادی موثر آن تلقی می‌شود. رد پای تماسهای اقوام ایرانی نژاد با طوایف قفقازی، از جمله گرجی، از گروهبندی هند و ایرانی مشاهده می‌شود. بنیادهای استوار کشورداری و فرهنگ ایرانی در ظهور و تکامل نهادهای دولتی در منطقه، از جمله گرجستان (شرقی) حائز اهمیت بود. رهیافت و نگرش چندوجهی دانشمندان گرجی در امر خطیر و شرافتمندانه تحقیق تاریخ و تمدن کهنسال ایرانیان و روابط تنگاتنگ تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان موضع علمی معتبری در مقیاس جهانی برای آنها فراهم کرده است.

گرجستان به علت موقعیت جغرافیایی خود در اعصار متمادی عرصه کشمکشها و رقابتهای دولتهای پر قدرت عصر بوده است و در دل یکی از حساس‌ترین مناطق دستخوش تلاطمهای گوناگون سیاسی، مذهبی و اقتصادی جای داشته است. گرجستان یکی از چند کشوری است که پیوسته در معرض داد و ستد فکری و فرهنگی شرق و غرب بوده و از هر دو منبع سرشار علم و



فرهنگ الهام می‌گرفته است. گرجیان در سراسر تاریخ متمدن خود، نوجو و نویسند بودند، ولی همواره سعی می‌کردند که پایبند اصالت قومی خود باشند و عناصر نو را با مبادی ریشه‌دار وفق دهند و به آن پیوند زنند. آنان بدین‌سان، فرهنگ مادی و معنوی ویژه گرجی را، که از خصوصیات فرهنگی ملی بهره‌مند است، به‌وجود آورده‌اند. از این‌رو، نوعی تداوم فرهنگی در گرجستان دیده می‌شود که تا حدی کم‌نظیر است.

شناسایی زبانها، تاریخ و فرهنگ اقوام ایرانی‌نژاد در خاورشناسی گرجی حوزه گسترده‌ای دارد که از مباحث مربوط به تاریخ و فرهنگ پیش از اسلام شروع و به مطالب گوناگون دوران معاصر ختم می‌شود. ممیزه سنت مطالعاتی مسائل ایران‌شناسی، توجه جدی پژوهشگران گرجی به روابط تاریخی، فرهنگی اقوام ایرانی‌نژاد با گرجیان است و در واقع تحقیقات در این زمینه به‌عنوان یکی از ارکان مهم گرجستان‌شناسی، یا عامل امدادی موثر آن تلقی می‌شود.

وجه تمایز جدی ایران‌شناسی گرجی تنوع مطالب، پی‌جویی خالص پژوهشگرانه و ملی بودن آن است. رهیافت و نگرش چندوجهی دانشمندان گرجی در امر خطیر و شرافتمندانه تحقیق تاریخ و تمدن کهنسال ایرانیان و روابط تنگاتنگ تاریخ و فرهنگ ایران و گرجستان موضع علمی معتبری در مقیاس جهانی برای آنها فراهم کرده است. بنا به ارزیابی ایران‌شناس مشهور آکادمیسین ریپکا، «ایران‌شناسی گرجی واقعاً عالی است».^۱

یکی از مباحث کلیدی تاریخ و فرهنگ اقوام هندواروپایی، از جمله جزء لاینفک آنها طوایف هندوایرانی یا آریایی، همانا مسائل بازسازی ساختار نخستین زبان هندواروپاییها، تشخیص گستره سکونت و موطن اصلی آنها، تقسیم زبان نخستین به گروههای مختلف و تعیین مسیر مهاجرت اقوام و طوایف به مناطق سکونت تاریخی خویش است. در ۲۰۰-۱۵۰ سال اخیر دانشمندان کشورهای مختلف براساس بررسی و تحلیل عوامل آوایی، دستوری، لغوی و جغرافیایی زبانهای هندواروپایی مستند، به موازات به‌دست آوردن منابع و اطلاعات جدید، از جمله دستاوردهای باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، نوآوری‌ها و اصلاحات محسوسی در تقسیم‌بندی‌های ارائه شده زبانها، لهجه‌های اقوام هندواروپایی، تشخیص حدود احتمالی موطن اصلی آنها و مسیر مهاجرت گروههای مختلف این اقوام به نواحی اسکان تاریخی خود انجام داده‌اند.^۲



در نتیجه، تحقیقات پیگیر آکادمیسین توماس گامقرلیدزه (با همکاری پروفیسور و. ایوانف) در زمینه تحلیل تطبیقی زبانهای هندواروپایی و استفاده جدی از منابع گسترده باستان‌شناسی و توجه خاص به دستاوردهای صاحب‌نظران در شئون مختلف علوم انسانی در مقطع تاریخی، فرضیه جدیدی درباره اصل و منشاء موطن تاریخی و ویژگی‌های زبانی و فرهنگی اقوام هندواروپایی ارائه گردید.^۳

طبق این فرضیه جدید، موطن تاریخی هندواروپایی‌ها در شش هزار سال پیش احتمالاً در محدوده جغرافیایی شرق آسیای صغیر، جنوب غرب قفقاز جنوبی، شمال غرب ایران معاصر و شمال عراق امروزی تشخیص داده شده است. طوایف هندواروپایی از دوره ماقبل تاریخ امکان همسایگی و تماسهای دائمی با طوایف سامی‌نژاد، سکنه قفقاز، از جمله گرجستان باستان داشتند و این روابط در گرفتن متقابل کلمات، ستاک‌ها، ریشه‌ها و وندها منعکس شده است.

براساس بررسی و تحلیل دستاوردهای باستان‌شناسی، قرائن موثق هیئیتی و دیگر زبانهای آسیای صغیر (Anatolian) نتیجه‌گیری می‌شود که در هزاره چهارم پیش از میلاد، مرحله طویل‌المدت تفکیک مجموعه زبانهای آسیای صغیر از زبانهای هندواروپایی نخستین سپری شده (حرکت به سمت غرب)، ضمناً مرحله تجزیه زبان نخستین به انشعابات و گروه‌بندیهای مختلف نیز آغاز شده است (حرکت به شرق، جنوب شرق و جنوب). اشاره می‌شود که از نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد طوایف هندوایرانی در نواحی شمال ایران حضور دارند؛ یکی از گروه‌بندی‌ها پس از پیمودن مسیر به طرف شرق، سپس حرکت به دور دریای خزر به طرف استپهای شمال دریای سیاه، امکانات مناسبی به جهت تماسهای تنگاتنگی با طوایف ترک و مجار پیدا می‌کند و انتقال به طرف غرب را ادامه می‌دهد. گروه‌بندی دیگری در نیمه دوم هزاره دوم از طریق فلات ایران و افغانستان به نواحی شمال غربی هندوستان می‌رسد و آنجا ساکن می‌شود؛ در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول طوایف ایرانی در آسیای میانه ساکن می‌شوند.

طبق فرضیه جدید چهار خانواده از لحاظ ویژگیهای زبانی از لهجه هندواروپایی نخستین مشتق شده است:

(۱) زبانهای آسیای صغیر (Anatolian)؛



۲) زبانهای سلتی، ایتالی، تخاری؛

۳) زبانهای بالتیک، اسلاوی، ژرمنی؛

۴) آریایی، یونانی، ارمنی. خانوادهٔ اخیر به‌نوبهٔ خود به دو دستهٔ یونانی و ارمنی - آریایی تقسیم شده است که خود دستهٔ ارمنی - آریایی به دو شاخهٔ ارمنی و هندوایرانی منشعب می‌شود. زبانهای هندوایرانی به دو دسته تقسیم می‌شوند: فرس باستانی و سانسکریت. زبانهای فارسی، پشتو و بلوچی در نتیجهٔ تطور فرس باستانی پا به عرصهٔ ظهور می‌گذارند.

طویف ایرانی در سراسر تاریخ طولانی خود دستاوردهای جالبی از فرهنگ مادی و معنوی به‌وجود آورده‌اند و خلاقیت پر بار آنها سهم ارزنده‌ای در تطور و پیشرفت تمدن و فرهنگ جهانی داشته است. طبق فرضیهٔ جدید تماسهای تنگاتنگ بین اقوام گرجی (Kartvel) و طویف ایرانی از مراحل هندوآریایی و هندوایرانی یعنی از اواخر هزارهٔ چهارم و اوایل هزارهٔ سوم قبل از میلاد آغاز می‌گردد.

رد پای تماسهای طویف گرجی و قفقاز شمالی با هند و آریایی‌هایی که از طریق قفقاز به سمت شمال حرکت می‌کردند در کلمات مأخوذ مشاهده می‌شود:

- گرجی ačua - اسب (در زبان کودکان) مقایسه کنید با سانسکریتی asva، اوستا aspa، فرس باستانی asa؛

- قباددوئی aža، آدیقه‌ای ača «بز نر»، مقایسه کنید با سانسکریت aja «بز»؛

- ابخازی - gu «محوطه دامداری»، سانسکریت - gav, gu - «گاو نر».

از قرن دهم پیش از میلاد ساکنان ایرانی‌زبان در نواحی غربی ایران نفوذ پیدا می‌کنند. دولت ماد در قرن هشتم پیش از میلاد در همسایگی دولتهای مقتدر وقت، اورارتو و آشور، سازمان می‌یابد. بنا به اطلاعات حاصل از بعضی منابع یونانی: «ایبریها (سکنهٔ گرجستان شرقی) تجهیزاتشان شبیه به تجهیزات ارمنیها بود و پوشاکشان، مادی». متأسفانه متون کتبی حاوی داده‌های زبان مادی در دسترس نیست و فقط از طریق بررسی اسامی خاصی که در منابع یونانی و آشوری ارائه شده است می‌توان پی برد که ساختار زبان مادی به فرس باستانی خیلی نزدیک است. به احتمال زیاد اسامی خاص ذیل که در گرجستان باستان رایج بوده مأخوذ از زبان مادی است:



- گرجی - Artavaz-i، اوستایی Arta+vazdah، Ašavazdah - «تغذیه‌کننده حقیقت»؛^۴

- گرجی - Farn، Farnavazdah > Parnavaz «شکوه، جلال».

غیر از اسامی خاص مذکور کلمات ذیل به مجموعه واژگان مأخوذ از زبان مادی نسبت داده می‌شود:

- گرجی bagin-i مقایسه کنید با سانسکریت bhaga، اوستایی bagha، فارسی میانه bag - «خدا، پروردگار».

- گرجی mogv-i، فرس باستانی magush، اوستایی maghu، فارسی «مغ».

- گرجی gandz-i، فارسی میانه ganj، فارسی «گنج»؛ Gandzak - «شهر گنجه».

در دوره هخامنشیان (قرن ششم - چهارم پیش از میلاد) بنیادهای استوار کشورداری، فرهنگ ایرانی و روندی به سوی یکپارچگی ایالات و مردمان گوناگون در چهارچوب یک دولت واحد مقتدر پایه‌گذاری شد. در سیستم کشورداری هخامنشیان ویژگیهای محلی، رسوم و سنت اقوام مختلف در امر مدیریت جوامع به میزان قابل ملاحظه‌ای رعایت می‌شد.

«فرایندهای تاریخی‌ای که در دوره هخامنشی روی داد و فرهنگ و هنرهایی که ثمره تأثیر متقابل سنتهای قومی - فرهنگی بود، تأثیر عمیقی بر تکامل تمدنهای شرق و غرب گذاشت ... آشنایی آسیای میانه و ماوراء قفقاز با نهادهای اداری، اجتماعی، سیاسی و حقوقی که در امپراتوری هخامنشی تکامل یافت، برای این مناطق حائز کمال اهمیت بود. این نهادها و فرایندهای اجتماعی - اقتصادی که مقارن با دوره هخامنشی بود سهم بسیار مهمی در ظهور و تکامل دولتهای آسیای میانه و ماوراء قفقاز پس از هخامنشیان بازی کرد. دولتهای خوارزم، ارمنستان، ایبری (گرجستان شرقی)، اشکانی، سلوکی، و بالاخره امپراتوری کوشانیان».^۵

طبق روایات وقایع‌نگاران گرجی فرنواز (قرن سوم پیش از میلاد)، شاه ایبریا (گرجستان شرقی) تشکیلات و مراتب اداری دولت خود را براساس الگوی شاهان هخامنشی احداث و تنظیم کرد. فرنواز کشور را به چندین استان تقسیم کرد و در هرکدام «پیشوا» (eristav-i) و «سپهد»، (spaspet-i) را گمارد. پیشوا زیردست سپهد بود ولی در رأس سپهد سپهسالار و (atasistav-i) و رئیس هزاره (hazarspat) قرار داشت.



اسامی خاص گرجی مأخوذ از فرس باستانی:

- گرجی hamāza+aspa, Amāzasp-i «مجموعه، کثرت گله»، «اسب»، «صاحب گله اسب».
- گرجی Vashtashab-i، فرس باستانی Waštaspا فارسی میانه «گشتاسب».
- گرجی Armaz-i، «نام بت عمده، نام کوه، قلعه» Ahura-Mazda، فارسی میانه Ohrmazd, Hormizd,

اسامی عام مأخوذ از فرس باستانی:

- گرجی art , m-art-al-i «حقیقت، حق‌دار»، اوستایی aša، مقایسه کنید با اسامی خاص Artakhšatra, Artafarna.

- گرجی arj , m-arj-u-ena «راست، دست راست»، فارسی میانه و فارسی «ارج، ارژ، ارز».

در فاصله زمانی قرون هشتم، هفتم پیش از میلاد تا چهارم، پنجم میلادی طوایف سکایی - آلانی در استپهای شمال دریای سیاه و جلگه‌های قفقاز شمالی کوچ‌نشینی می‌کردند. نام رودخانه‌های Don, Dnepr, Dnestr, Danub (Dunay) که از ریشه dn/don مشتق شده است (don به زبان اُستی یعنی «آب») سند موثقی از حضور پیشینیان اُستی‌ها در آن نواحی است. گرجیها نه فقط در مسایل دفاعی و نظامی، بلکه در تمام شئون حیات اجتماعی و اقتصادی روابط تنگاتنگی با آلانیها برقرار کرده بودند و این نزدیکی در ازدواجها و برقراری قرابت به‌خوبی منعکس شده بود. آکادمیسین گیورگی آخولدیانی درباره روابط تنگاتنگ زبانهای گرجی و آلانی چنین توضیحاتی می‌دهد: «تاریخ زبانهای اُستی‌ها و گرجیها می‌تواند موارد بسیاری را از روابط دیرینه این دو زبان ارائه کند که خیلی عمیق‌تر از آن است که در سطوح وقایع تاریخی منعکس شده است ... ما اینجا شاهد روابط متقابلی هستیم که از حیطة نفوذ معمولی خارج شده است. به‌نظر بنده، روابط زبانهای گرجی (kartvel) و اُستی (آلان) را می‌توان به‌عنوان نفوذ و رسوخ متقابل که در حد دوزبانه بودن است، ارزیابی کرد»^۶.

بعضی اسامی خاص گرجی مأخوذ از سکایی - آلانی:

- گرجی Arsuk، سکایی Arsuk، فرس باستانی arsha، اُستی arsa «خرس».



- گرجی Vakhtang, آلانی <Varkatanu>* - «گرگ تن»، فرس باستانی vrk/vark - «گرگ».

بعضی اسامی عام گرجی مأخوذ از سکایی - آلانی:

- گرجی abrag-i - «عیار، یاغی»، اسم خاص سکایی Abraghos, فارسی میانه aparak.

- گرجی am-i - «گوسفند کوهی»، سکایی arnakh, فرس باستانی arana.

اطلاعات موثقی درباره روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گرجستان با دولت اشکانیان (۲۴۷ق.م - ۲۲۴م) در دست نیست. در آثار باستانی گرجی اشکانیان عمدتاً به نام «پرسیان» ذکر شده‌اند، در بعضی منابع کتبی واژه Ashaghan > Azhghalan به کار برده شده است. واژه Part-i در نتیجه تأثیر آثار مذهبی (انجیل) در زبان گرجی مستقر شد.

«به نظر می‌رسد که در اواسط قرن دوم پیش از میلاد، زمانی که قدرت پارتیها به اوج رسیده بود و آنها شکست‌هایی را نصیب سلوکیها کرده بودند و ارمنستان را تحت الشعاع نفوذ سیاسی خود قرار داده بودند، روابط بین گرجستان (شرقی) و پارت تشدید یافت. با توجه به اوضاع سیاسی وقت مسؤلان گرجستان خواستار متحدی به جهت مقابله با رقیب خود ارمنستان بودند. تصادفی نیست که منابع تاریخی گرجی، شاه وقت گرجستان را ایرانی‌گرا نامیده، او را و شاه پرسیان را مخالف ارامنه معرفی می‌کنند»^۷.

تقریباً صد واژه دوره اشکانی مستقیماً یا از طریق زبان ارمنی در زبان گرجی رایج شد، مثلاً:

- گرجی abjar-i «تجهیزات جنگی»، اشکانی apezar, apečar

- گرجی azna, (aznaur-i), uazno, «خاص، عام» - اشکانی azna

- گرجی ambav-i (hambav-i) - «واقعه، اتفاق»، اشکانی han bav

- گرجی patimar-i «زندانی، اسیر»، اشکانی badhimar

اطلاعات نسبتاً گسترده‌ای درباره روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ساسانیان (قرن ۷-۳م) و گرجستان در دسترس است. در مراحل اول حکمرانی، ساسانیان با توجه به رویارویی با رم، گرجستان بالقوه متحد و متفق ایران در منطقه تلقی می‌شد. در اواخر قرن سوم میلادی روابط عمیق‌تر و گسترده‌تر شد و در سال ۲۶۸م پس از لشکرکشی شاپور اول به گرجستان، شاه این



کشور وابسته و تابع امپراتوری ایران می‌شود و بالاخره در سال ۵۳۲ حکمفرمایی خاندان سلطنتی گرجیان لغو شده و زمام امور به دست مرزبان ایرانی منتقل می‌شود.

در قرون ۳-۱۱م ادیان و مذاهب متعددی (بت‌پرستی، ادیان یهودی، زردشتی، مسیحی) در گرجستان رواج داشت. از سال ۲۶۰ تبلیغات جدی پیروان مکتب مانی در جامعه گرجستان آغاز می‌شود. طبق اطلاعات کتیبه‌های شاهپور اول و موبد موبدان کرتیر، دربار و روحانیان به جهت ترویج و تعمیق دین زردشت و احداث آتشکده‌های نوین در گرجستان دست به فعالیت پیگیرانه‌ای زدند. با وجود این، موضع‌گیری ایران در مسائل دینی گرجستان، جناح «غرب‌گرایان» گرجستان موفق شدند در حوالی دهه‌های سوم و چهارم قرن چهارم میلادی مسیحیت را دین رسمی گرجستان اعلام نمایند.

در مدت کوتاهی کلیسای گرجستان و فرهنگ مذهبی گرجیان در سطح جهان مسیحیت احترام و اعتبار بزرگی کسب کرد. مسیحیت در قرون وسطی سازنده جهان‌بینی گرجیان بود. گرجیان در نیمه اول قرن پنجم میلادی به احداث دیرهایی در فلسطین مبادرت می‌کنند. سطح فرهنگ مذهبی راهبان گرجی به اندازه‌ای بلند بود که از اواخر قرن پنجم میلادی به آنها اجازه داده شد نماز و مراسم دینی مربوط را به زبان گرجی ادا کنند.^۱

نام گرجستان (شرقی) در منابع ایرانی برای بار اول در کتیبه‌های ساسانی به صورت 'Waručan Shah) -wlvč'n MLK'، اشکانی 'wyršn MLK' و معادل یونانی آنها Iberia ذکر شده است. این واژه از کلمه فرس باستانی به معنی «گرگ» مشتق شده است:

gorj||gorjan < gurčan < vrčan || vrč(i)yan < vrk(i)yan < vrkan.

عربی- جرجان، جرزان و از طریق زبان عربی Géorgie فرانسوی، Georgien آلمانی، Georgia انگلیسی و غیره رایج شد.

مجموعه لغات مأخوذ از فارسی میانه (ساسانی) نسبتاً زیاد است. بعضی از این واژه‌ها ارائه

می‌شود:

- گرجی artoshan-i «آتش مقدس»، فارسی میانه atur-ošan

- گرجی dev-i «دیو»، فارسی میانه daiva>dev



- گرجی *gozinaq-i*، «باسلق»، فارسی میانه *goz-enak*؛
- گرجی *gumard -i*، «پیک»، فارسی میانه *gumartak*؛
- گرجی *gujar-i*، «حکم، دستور کتبی»، فارسی میانه *višar*؛
- گرجی *gvar-i*، *guar-i*، *govar-i*، «نسب، خاصیت»، فارسی میانه *gohar* - «گوهر، نسب»؛
- گرجی *kurtuk-i/kurtak-i* «البسه سپاهی، پوستین کوتاه»، فارسی میانه *kurtak* - «پیراهن»؛
- گرجی *marag-i* «ذخیره، شمار»، فارسی میانه *marak/marag* «عدد»؛
- گرجی *marzpan-i* «استاندار»، فارسی میانه *marzpan* - «مرزبان، استاندار»؛
- گرجی *am-aspindz-el-i* «مهماندار، صاحب‌خانه»، فارسی میانه *aspanj* «مسافرخانه، محل استراحت»؛
- گرجی *unas-i*، «گناه»، فارسی میانه *vinas*؛
- گرجی *varts-kh-na*، «شانه کردن»، فارسی میانه *vars* - «موی»؛

خدمت خوانندگان گرامی باید عرض شود که یکی از مطالب مهم تحقیق ایران‌شناسان گرجی بررسی واژه‌های مأخوذ از فارسی باستان، فارسی میانه و آلانی در زبان گرجی است. زبان گرجی، در عین حفظ بنیه دستوری و بیانی خاص خود، برای افزایش ذخیره واژه‌ها و اصطلاحات از اقتباس و استعمال الفاظ عاریتی مأخوذ از زبانهای همسایگان نزدیک و دور خود خودداری ننموده است. چنان‌که ذکر شد گرجیان در قرون متمادی روابط بسیار نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با اقوام ایرانی‌نژاد داشته‌اند و در نتیجه این تماسها، طی ادوار، بسیاری از واژه‌ها از راه منابع کتبی و محاوره به زبان گرجی راه یافته و متداول گشته است. در بعضی موارد، لغات مأخوذ چنان داخل بافت زبان وام‌گیرنده شده و جزء لاینفک واژگان گرجی گردیده که فقط با موشکافی‌های ظریف زبان‌شناسی دقیق می‌توان به ایرانی بودن آنها پی برد. تحقیق در این مباحث به حس کنجکاوی ذاتی، آشنایی کافی با منابع و متون تاریخی و ادبی گرجی، تبحر در زبانها و لهجه‌های متعدد ایرانی، اطلاع عمیق از سازمان اجتماعی، مذهبی و فرهنگی ایرانیان و گرجیان در ادوار گوناگون نیاز دارد. از جمله پژوهشگران پرکاری که در این وادی تحقیقات شایسته‌ای تدوین کردند بانو مزیا آندرونیکا شویلی است که اثر اساسی ایشان شهرت فوق‌العاده یافته است.^۹ در این

کار علمی پراج کلمات مأخوذ فارسی باستان و زبانها و لهجه‌های فارسی میانه و آلانی بررسی شده است. در اثر بانو ته‌ئو چخه ئیدزه درباره اسامی خاص ایرانی پس از اسلام مطالعه دقیقی شده است.^{۱۰}

خانم «ته‌ئو چخه ایدزه» رساله‌ای درباره سیستم تربیت و پرورش در ایران ساسانی به چاپ رساند.^{۱۱} ضمناً متن «کارنامه اردشیر پاپکان» را با ترجمه گرجی، تحقیقات و فرهنگ، همچنین متن و آوانگاری «درخت آسوریک و بز» را با ترجمه گرجی، تحقیقات و فرهنگ منتشر کرد.^{۱۲}

از جمله تحقیقاتی که در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام انجام داده شده می‌توان به کتابهای ذیل اشاره کرد: گولباد امیرانا شویلی، کتیبه‌های ساسانی به مثابه مأخذ تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران؛^{۱۳} بانو آبرامی شویلی، فهرست مسکوکات اشکانی موزه دولتی گرجستان؛^{۱۴} بانو رامیشویلی، نگینهای ساسانی در گرجستان؛^{۱۵} بانو جالاگانیا، گنجهای مسکوکات بیزانسی و ساسانی در گرجستان؛^{۱۶} بانو تسوتسه لیا، گرجستان شرقی (کارتیل) در قرنهای سوم تا هفتم میلادی و روابط آن با دولت ساسانی؛ فهرست مسکوکات ساسانی گرجستان.^{۱۷} بانوان تسوتسه لیا و گیوناشویلی، ایران قرن سوم میلادی و ایبریا (گرجستان شرقی).^{۱۸}

پیشکسوتان علم و فرهنگ گرجی که در امر پایه‌گذاری و ترویج رشته تحقیقاتی تاریخ و فرهنگ ایران قبل از اسلام پیشاهنگ بودند و به جهت تربیت نسل جوان پژوهشگران این رشته خدمت کلانی کرده‌اند عبارت‌اند از: آکادمیسین ایوانه جاواخیشویلی (۱۹۴۰-۱۸۷۴م)، بنیان‌گذار دانشگاه تفلیس (۱۹۱۸م) و مکتب علمی جدید تاریخ در بخش علوم انسانی گرجستان؛ آکادمیسین گیورگی آخولدیانی (۱۹۷۲-۱۸۷۴م)،^{۲۰} زبانشناس مشهور، متخصص زبان اُستی و زبانهای هندوایرانی باستان، مترجم گانه‌های اوستا^{۲۱} و آکادمیسین گیورگی تسرتلی (۱۹۷۳-۱۹۰۴م)^{۲۲} بنیان‌گذار دانشکده خاورشناسی دانشگاه تفلیس (۱۹۴۵م) و انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان (۱۹۶۰م).

اکنون نهادهای فعال در رشته تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام عبارت‌اند از:

(۱) دانشکده خاورشناسی دانشگاه تفلیس؛

(۲) انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان؛



۳) انستیتوی تاریخ و مردم‌شناسی آکادمی علوم گرجستان؛

۴) انستیتوی زبان‌شناسی آکادمی علوم گرجستان؛

۵) موزه تاریخ گرجستان آکادمی علوم گرجستان.

خدمت خوانندگان گرامی عرض می‌شود که در بانک کامپیوتری انستیتوی زبان‌شناسی آکادمی علوم گرجستان ۲۵۰۰ ریشه، ستاک و واژه زبانها و لهجه‌های ایرانی ادوار مختلف بایگانی شده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Orientalistische Literaturzeitung, Berlin-Leipzig, 1965, N 1-2, S 70.
2. Porzig, Walter, *Die Gleiderung des indogermanischen Sprachgebiets*, Heidelberg, 1954, Kapitel I.
3. Gamkrelidze, Thomas V., Vjacheslav V. Ivanov, *Indo-European and the Indo-Europeans. A Reconstruction and Historical Typological Analysis of a Protolanguage and Proto-Culture*, I-II, Publishing House of the Tbilisi State University, Tbilisi, 1984 (به زبان روسی).
4. Bailey, Harold, *Indagatio Indo-Iranica*, Transactions of the Philological Society, 1966, p.60
5. تسرتلی، گیورگی، دولت هخامنشی و تمدن جهانی، مجله آینده، سال دوازدهم، شماره ۸-۷، ۱۳۶۵، ص ۳۷۰-۳۶۹.
6. Akhvlediani, Giorgi, *Sbornik izbrannikh rabot po osetinskomu yaziku*, Tbilisi, 1960, ss. 136, 170.
7. Melikishvili, Giorgi, *K istorii drevney Gruzii*, Tbilisi, 1959, c. 313.
8. George Tsereteli, *The Most Ancient Georgian Inscriptions from Palestine*, Tbilisi, 1960, p. 87, 92.
9. Andronikashvili, Mzia, *Studies in Iranian-Georgian Linguistic Contacts*, Tbilisi, 1966 (به (زبان گرجی).
10. Chkheidze, Theo, *Narkvevebi iranuli onomastikidan*, Tbilisi, 1984.
11. Chkheidze, Theo, *Aghzrdis instituti sasanur Iranshi*, Tbilisi, 1979.
12. Papakis, Ardashir, *dzis sakmeta tsigni*, Tbilisi, 1976; Pinikis, *khe da tkha*, Tbilisi, 1991.
13. Amiranashvili, G., *Sasanuri tsartserebi rogorc iranis sotsialuri da ekonomikuri istoriis tsqaro*, Tbilisi, 1976.
14. Abramishvili, T., *Sakartvelos sakhelmtsipo muzeumis partuli monetebis katalogi*, Tbilisi, 1974.
15. Ramishvili, K., *Sasanuri gemebi sakartveloshi*, Tbilisi, 1979.
16. Jalaghania, I., *Bizantiuri da sasanuri monetebis gandzebi Sakartveloshi*, Tbilisi, 1980.
17. Tsotselia, M., *Kartli v 3-7 vekakh i ego vzaimotnoshenia s Sasanidskim Iranom*, Tbilisi, 1975; *Sakartvelos Sasanuri monetebis katalogi*, Tbilisi, 1981.
18. Tsotselia, Medea V., and Helen Giunashvili, *Third century Iran and Iberia (East Georgia)*, Guilan University Press, Rasht, 2004.
19. Javakhishvili, Ivane.
20. Akhvlediani, Giorgi.
21. Gatebi, Avestis, *Targmani G.Akhvledianisa*, Tbilisi, 1977.
22. Tsereteli, Giorgi.